

● نقد و معرفی کتاب

موانع توسعه (مطالعه مقایسه‌ای ایران با ترکمنستان و مراکش)

محمد توکل، موانع توسعه، مطالعه مقایسه‌ای ایران با ترکمنستان و مراکش، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، ۲۰۸ صص.

کتاب موانع توسعه در یک مقدمه و سه بخش تألیف شده است. نویسنده در مقدمه، مسأله توسعه را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در محافل دانشگاهی و نیز مراکز برنامه‌ریزی کشورهای مختلف جهان مطرح و به طرح این سؤال اصلی که چرا بعضی از کشورها نتوانسته‌اند به توسعه دست یابند و در این مسیر چه موانعی وجود داشته است پرداخته است. نویسنده ضمن اشاره به مفاهیم متعدد توسعه که در گذشته به خصوص در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ فقط بالا بردن سطح تولید اقتصادی جامعه از طریق افزایش نرخ رشد اقتصادی محسوب می‌شد، معتقد است که توسعه مفهومی دارد که باید این مسأله را در

همه‌جا، در اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق، در داخل و خارج جست‌وجو نمود. به این منظور موانع توسعه را تحت هفت عنوان یا حوزه اصلی به شرح زیر دسته‌بندی نموده است:

۱. پارامترهای علمی - فن‌آوری
۲. پارامترهای فقهی - کلامی - فن‌آوری
۳. پارامترهای اقتصادی - تجاری
۴. پارامترهای فکری - فرهنگی - سنتی
۵. پارامترهای سیاسی - نظامی - حقوقی
۶. پارامترهای خارجی
۷. پارامترهای خاص اجتماعی (جمعیتی، جغرافیای انسانی، شخصیتی)

نویسنده این پارامترها را درخصوص کشورهای ایران - ترکمنستان و مغرب در سه

اساسی مشخص‌تر قابل تقلیل است مانند: ارتباطات علمی ضعیف دانشجویی به خصوص در شهرستان‌ها، عدم رضایت از رشته تحصیلی، عدم رضایت شغلی - ارتباط علمی ضعیف بین استادان، تعداد بسیار کم دانشمندان، محققان، نسبت مشارکت زنان در کادر علمی، در محور موانع توسعه تکنولوژیکی ایران، عوامل بیرونی از قبیل ویژگی‌های جغرافیایی بازار داخلی و بین‌المللی، شرایط اجتماعی و عوامل درونی از قبیل نیروی انسانی، امکانات زیربنایی و فیزیکی، امکانات مالی و نظام داخلی آمده است.

در پارامتر موانع فقهی - کلامی توسعه ایران - نظرات فقهی کلامی رایج در قرون قبل و حتی زمان معاصر با شاخص‌های نودگانه توسعه که توسط طرح موانع توسعه از منابع مختلف استخراج و تدوین یافته، در کنار هم گذاشته و در این مورد بعضی را در تقابل با هم و بعضی دیگر را نیز موافق با یکدیگر یافته است. در این راستا برای مثال فقه رایج نظر مساعد و تشویقی نسبت به افزایش شاخص کیفیت زندگی، فعالیت کشاورزی، استقلال غذایی، خودکفایی، تولید در حد متعارف و دفاع ملی داشته است، در حالی که در دوره‌های مختلف فقه رایج با کنترل باروری و تحدید جمعیت، فعالیت اجتماعی و سوادآموزی زنان، توزیع قدرت سیاسی و بسط

بخش جداگانه مورد بررسی قرار داده است. روش مطالعاتی تحقیق براساس آنچه در کتاب آمده است، اساساً اسنادی با مشخصه تاریخی - قیاسی - انتقادی است و براساس آن موانع و مشکلات توسعه در ایران طرح، تحقیق و طبقه‌بندی شده است. کار مطالعاتی درخصوص کشورهای ترکمنستان و مغرب (مراکش)، مقایسه‌ای و تلفیقی از مطالعه حضوری و کار اسنادی و همچنین مرور تألیفات و گزارشات روی هم رفته محدود و قلیل مربوط به توسعه در این کشورها می‌باشد.

به طور خلاصه مؤلف، موانع توسعه را در هر یک از کشورها براساس پارامترهای مطرح شده در سه بخش زیر ارائه کرده است:

بخش اول: موانع توسعه در ایران

نویسنده موانع توسعه ایران را در بخش پارامتر علمی - تکنولوژیکی به شرح زیر مطرح کرده است: موانع سازمان داخلی جامعه علمی، وضعیت منابع مالی و انسانی برای علم و فن‌آوری، مدیریت علمی، وضعیت امکانات پشتیبانی، ارتباط ناکافی فضای علمی با واقعیت اجتماعی - اقتصادی، زمینه نامناسب اجتماعی، فرهنگی جامعه برای توسعه علمی، موانع نامناسب بین‌المللی در راه رشد علمی و تکنولوژیکی. هر یک از این موانع به موانع

منابع به دو محور تحول سریع بخش زیربنایی اقتصادی به خصوص آموزش نیروی انسانی و تأمین نیازهای اولیه جمعیت ذاتی دهد و منابع موجود اقتصادی را فعلاً نباید در سرمایه‌گذاری‌های بلندپروازانه اتلاف نماید.

در عامل موانع توسعه کشاورزی اهم موانع رشد کشاورزی چنین آمده است:

۱. اشاعه بی‌سوادی در جامعه دهقانی ۲. ضعف پس‌انداز کشاورزان ۳. عدم رشد بورژوازی کارورز یا کارآفرین ۴. خلأ قدرت در جامعه روستایی ۵. مهاجرت نیروی انسانی توانا از روستا به شهرها ۶. صنعت ناتوان و غیر پشتیبان کشاورزان ۷. بی‌ثباتی و عدم تأمین در بخش کشاورزی

در پارامتر موانع فکری - فرهنگی و دینی، نویسنده بر موانع متعددی اشاره داشته است. از جمله: بی‌سوادی و کیفیت نامتناسب آموزش، فقدان انگیزش برای توسعه در سطح فردی و گروهی، تفکر سنتی عمومی، اندیشه سنتی در مورد دولت و اندیشه‌های تجدد ستیز، عدم آمادگی برای تغییر و تحول، عدم آمادگی برای همکاری و تعاون، نبود روحیه برنامه‌ریزی و ذهنیت مردم سالارانه قدرتمدار به‌رغم جهت‌گیری مثبت در نظام آموزشی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مدرک‌گرایی، جو ناسالم تجسس در محیط‌های آموزشی،

نهادهای آزاد و لیبرال و یکه تازی علم و صنعت مخالفت داشته است.

پارامتر اقتصادی - تجاری - مدیریتی، در این بخش نویسنده به سه عامل موانع و مشکلات در الگوی تجارت خارجی - نقش دولت در اقتصاد و مشکلات کشاورزی پرداخته است. دو عامل نقش دولت به عنوان مانع توسعه اقتصادی، نویسنده معتقد است که مهم‌ترین بحران‌ها در بخش عدم انباشت سرمایه و عدم تحول و تکامل فن‌آوری بومی در کشور ما اتفاق افتاده است که این امر دو عارضه وابستگی اقتصادی و اقتصاد مصرفی را به دنبال آورده است، سرمنشاء این انحطاط را نویسنده نحوه ورود و گردش پول نفت در اقتصاد ملی می‌داند.

به بیان دیگر دولت با عواید نفت و نیز از طریق توزیع رانت اقتصادی، نه تنها شکل‌گیری مازاد اقتصادی و تبدیل اقتصاد ملی از یک اقتصاد بسته به یک اقتصاد پویا و توسعه یافته را متوقف نموده، بلکه با تصاحب و تخصص درآمد کلان نفت، خود را از یک نهاد مشارکتی، نظارتی دور ساخته و بارخوت ناشی از استغناء از ایفای درست نقش‌های اساسی دولت (حصول کارایی انباشت اقتصادی، کسب مشروعیت اجتماعی) دست کشیده است. نویسنده معتقد است که دولت باید در تخصیص

و محیط بین‌المللی را از موانع توسعه می‌داند و معتقد است تنها، کشوری در نظام بین‌المللی آینده از سطح رقابت، کیفیت و موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود که در سطح داخلی به میزان قابل توجهی از هم‌گرایی دست یابد. نویسنده به این نتیجه می‌رسد که محیط بین‌المللی با فرهنگ حاکم بر آن و همچنین وجود بازیگران اصلی آن که به طور عمده در بلوک غرب قرار دارند، به طور آگاهانه و به صورت عملی با اهداف، سیاست‌ها و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران تضاد دارند و از عوامل اصلی مانع توسعه محسوب می‌شود. این قدرت‌ها تضاد خود را با سیاست‌های خاص محدود کننده در مورد ایران پی می‌گیرند و از روابط تجاری و مبادله کالاهای عمومی، صنعتی و مصرفی تا گسترش روابط عمیق سیاسی و انتقال فن‌آوری به ایران ممانعت می‌ورزند و با نشان دادن تصویر منفی از ایران از عدم ورود در مبادلات جهانی و در نتیجه افزایش بحران‌های داخلی، توسعه آن را با تأخیر مواجه نمایند.

آخرین پارامتر، موانع جامعه‌شناسی توسعه است. موانع جامعه‌شناسی برجسته توسعه در ایران از دید نویسنده عبارتند از: یافتن کالبدی-تاریخی موجود جامعه، نبود همبستگی ملی و اجتماع عام، نابرابری‌های ساختاری، نبود نظم اجتماعی مناسب و ساختار

جاذبه‌های اقتصادی، مشاغل آزاد، تورم و تعداد دانشجو نتوانسته‌اند جواب‌گوی نیازهای توسعه در این بخش باشند.

در پارامتر موانع توسعه سیاسی سه مانع عمده در ساختار سیاسی ایران به نظر نویسنده رسیده است: ۱. تمرکز منابع قدرت به عنوان ویژگی اصلی فرآیند تکوین ساخت دولت مطلقه مدرن ۲. چند پارگی‌های اجتماعی و فرهنگی (از قبیل لایه‌های مدرنیست و اسلامی) ۳. ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آمرانه. سه مشخص فوق‌تقویت‌کننده و تثبیت‌کننده یکدیگر در ساختار سیاسی ایران بوده و آن را از تغییر در راستای توسعه سیاسی بازداشته است. به عبارت دیگر، میان ساختار قدرت مطلقه، چند پارگی‌های اجتماعی و ایدئولوژی و نگرش نخبگان سیاسی، روابط متقابل و تشدیدکننده و باز تولیدکننده وجود داشته است و این مجموعه روابطی که مبین وضعیت ایستایی نظام سیاسی در ایران بوده‌اند، از تکوین زمینه‌های رقابت و سازش و مشارکت سیاسی، به شیوه‌ای دموکراتیک جلوگیری کرده‌اند و در نتیجه سیاست در ایران به جای ایجاد سازش و آشتی بیشتر به مفهوم چگونگی از میدان به در بردن رقبا تلقی شده است.

پارامتر موانع بین‌المللی توسعه ایران، نویسنده، شکاف نظری میان یک واحد سیاسی

توسعه ترکمنستان، موانع اساسی توسعه علمی و تکنولوژیک در این کشور در حال حاضر شامل: موانع سازمان داخلی جامعه علمی، ضعف منابع مالی و انسانی برای علم و فن‌آوری، مدیریت علمی و وضعیت امکانات پشتیبانی خدماتی مشکلات تربیت و آموزش کادر علمی، تنزل کیفیت و کمیت پژوهشگران، فقدان و یا ضعف ارتباط علمی با دانشگاه‌های خارجی، عدم رضایت شغلی، مهاجرت روزافزون فشر متخصص و تحصیل‌کرده جامعه و مشکلات ناشی از فقدان و یا ضعف سیستم‌های اطلاع رسانی مثل عدم وجود و یا کمبود آمار و اطلاعات لازم به هنگام، دقیق و مستمر، پراکندگی آمار و اطلاعات موجود و غیرقابل اعتماد بودن آمار و اطلاعات موجود می‌باشند.

در پارامتر موانع دینی - فقهی - کلامی، ترکمن‌ها در زمان حکومت شوروی بسیار کمتر از سایر جوامع مسلمان، حتی در مقایسه با ازبک‌ها، تاجیک‌ها در آسیای مرکزی، مسلمان ارتدوکس (بنیادگرا) بوده‌اند، اما تصوف در گذشته تأثیر زیادی بر روی ترکمن‌ها گذاشته و مکاتب مختلف تصوف پایگاه‌ها و طرفداران زیادی داشته و دارند. با توجه به عدم حضور جدی موانع فقهی - کلامی اسلام ارتدوکس در راه توسعه ترکمنستان وجود و حضور تصوف به

وضعیت جمعیتی و تشدید نابرابری‌های اجتماعی که موجب تشدید تضادهای توزیعی و فقر و محرومیت نسبی در جامعه می‌شوند. به عنوان مثال فقر به نوبه خود علاوه بر این که مانع بسط کمی و کیفی آموزش در ارتقای منابع انسانی مورد لزوم توسعه می‌شود، باعث اختلال در بهداشت و درمان و موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار نیز می‌شود، یا همچنین با افزایش باروری، باعث رشد بی‌رویه جمعیت که مانع توسعه با امکانات محدود است می‌گردد. پارامترها و شرایطی که به عنوان عامل یا مانع توسعه بخش‌های هفتگانه فوق مطرح شد، در حقیقت هر یک به طور کلی عامل یا مانع توسعه در ایران هستند.

بخش دوم: موانع توسعه در ترکمنستان

نویسنده در این بخش بعد از ارائه توضیحاتی درخصوص تاریخچه موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی، زبان، مذهب و بخش‌های اقتصادی ترکمنستان، در نهایت موانع توسعه این کشور را در قالب پارامترهای هفت‌گانه (علمی، مذهبی، ایدئولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، بین‌المللی و جامعه شناختی) به شرح زیر مورد بررسی قرار داده است:

در بخش موانع علمی - تکنولوژیکی

بوده‌اند و این جامعه از تنش بین این دو ساختار رنج برده است و در نتیجه زمینه فرهنگی مناسب توسعه را تحقق نبخشیده است.

پارامتر سیاسی، موانع سیاسی ترکمنستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی نشان می‌دهد که فقدان و یا ضعف فرهنگ سیاسی مشارکتی، فقدان روحیه تعاون و مشارکت، ضعف گروه‌بندی‌های اجتماعی، انباشت صرف قدرت، بحران‌های امنیتی گوناگون در سطوح فردی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تضاد بین مردم آسیای مرکزی و دولت‌ها، از مهم‌ترین موانع توسعه سیاسی به شمار می‌روند.

پارامتر موانع بین‌المللی بیشتر تحت تأثیر موانع بین‌المللی در شوروی سابق بود که در جهاتی به ترکمنستان تسری می‌یافت، از قبیل: موانع توسعه تکنولوژیک و صنعت و تجارت، موانع گسترش ارتباط منطقه‌ای و بین‌المللی، عدم تجربه از تجربیات دیگر کشورها.

پارامتر موانع جامعه شناختی - مهم‌ترین موانع جامعه شناختی توسعه در ترکمنستان عبارتند از: مسأله بوروکراسی، تعداد زیادی از جامعه شناسان معتقدند که یکی از مسائل اصلی در جریان فروپاشی شوروی، فساد بوروکراتیک بوده است. مانع دیگر، بافت

عنوان مانعی دینی در راه توسعه در ترکمنستان عمل کرده است.

پارامتر اقتصادی - این پارامتر در دو بخش کشاورزی و صنعتی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش مشکلات کشاورزی به خشک و شوره‌زار بودن زمین، کمبود آب و امکانات آبیاری، تک محصولی بودن تولید کشاورزی (پنبه)، عدم حل مسأله مالکیت کشاورزان بر زمین به علت خصوصی‌سازی ناقص و محدود، عدم قدرت خرید فن‌آوری، عدم بازاریابی محصولات و تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی و ناتوانی دولت در اعطای وام به کشاورزان اشاره شده است. در بخش مشکلات و موانع صنعتی به تک جهتی بودن تولیدات صنعتی، بی‌بهره بودن از فن‌آوری بالای اکتشاف و استحصال، استخراج، کمبود نقدینگی و نیاز به سرمایه‌های خارجی، کندی روند خصوصی‌سازی - مشکلات دسترسی به بازارهای بین‌المللی، کمبود نیروهای متخصص و عدم وجود زیرساخت‌های گسترده برای حمل و نقل، از عمده‌ترین موانع محسوب می‌شود.

نویسنده پارامتر فرهنگی جامعه ترکمنستان را بیشتر براساس ارزش‌های قبیله‌ای، ایلی و عشیره‌ای دانسته و در دهه‌های اخیر در ساختار متضاد قبیله‌ای و سنتی و ساختار مدرن و جامعه مدنی همواره در تقابل با یکدیگر

باشد، بروز نکرده بلکه بعضاً در مقابل آن ایستا بوده است به علاوه تصوف هم که مقبولیت خاصی در مراکش دارد، به توسعه بی توجه است.

حوزه اقتصاد: اهم موانع توسعه اقتصادی عبارتند از: فرار مغزها و نیروهای متخصص کشور به خارج، استقرار خارجی وعدم توانایی در بازپرداخت آنها، وابستگی شدید به استخراج و صدور فسفات و در نتیجه وابستگی شدید به بازار جهانی این محصول و نوسانات آن، ضعف صنایع مادر در مراکش، محرومیت مناطق روستایی و بخش کشاورزی سنتی از پشتیبانی‌های لازم و ضروری دولت، روند کند خصوصی‌سازی از جمله موانع توسعه اقتصادی می‌باشند.

حوزه فرهنگی: حضور وسیع بربرها در جامعه مغرب و تفاوت‌های فرهنگی با اعراب، یکی از موانع مهم فرهنگی توسعه در مغرب به شمار می‌رود. علاوه بر آن ثبات فرهنگی بربری و عدم تغییر و تحریک سازمانی، اقتصادی و اجتماعی، نیز از موانع دیگر است. همچنین نخبگان و روشنفکران نتوانستند به عنوان نیرویی مؤثر جریان توسعه فرهنگی را تحقق بخشند.

حوزه سیاسی: ساختار سیاسی متمرکز حول شاه باعث تضعیف نهادهای دموکراتیک در

تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر روابط قومی، قبیله‌ای که روابط حزبی-ایدئولوژیکی هم مکمل آن شده و با آن توازن پیدا کرد. نابرابری‌های اقتصادی و نابرابری‌های متنوع اجتماعی از دیگر موانع جامعه شناختی در توسعه ترکمنستان به نظر نویسنده آمده است.

بخش سوم: موانع توسعه در مراکش (مغرب)
نویسنده در ابتدا با اشاره‌ای به تاریخچه مراکش (مغرب)، اهم موانع توسعه را در حوزه‌های هفتگانه به شرح زیر می‌داند:

در حوزه علم و فن‌آوری: پادشاهی فتوئالی مراکش با ورود به قرن بیستم به عنوان یک نیروی مقاوم در مقابل جریان تجددخواهی و حضور سازمان یافته اروپائیان که به دنبال تغییرات اساسی اجتماعی بودند، عمل می‌کرد. بی‌سوادی یکی از مهم‌ترین موانع توسعه مراکش به شمار می‌آید. حتی در سال ۱۹۹۵ معدل نرخ بی‌سوادی در این کشور ۵۶/۳ بوده است. کمبود نیروی انسانی متخصص، هزینه‌های ناکافی در ارتباط با تربیت کادر فنی، عدم توانایی بخش‌های اقتصادی در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از مهم‌ترین موانع توسعه در این حوزه به شمار می‌آید.

حوزه مذهبی: اسلام سنتی و ارتدکس در عمل به صورت فکری که حامی توسعه

توسعه سیاسی مراکش شده است. مشکل پولیساریو یکی مشکل سیاسی، نظامی در دهه اخیر مراکش بوده و بر روند توسعه آن کشور نیز اثر گذاشته است. اعتصاب‌ها، تظاهرات، آشوب‌ها و حرکت‌های اجتماعی ناشی از مشکلات سیاسی، نقش جدی در کند کردن رشد توسعه کشور داشته‌است.

حوزه بین‌المللی: در دهه اخیر عوامل بین‌المللی مسلط بر توسعه عبارتند از: قضیه پولیسارو، مسأله مغرب عربی، اتحادیه عرب، ارتباطات با سازمان وحدت افریقا، تلاش‌های سیاسی، مراکش، ایجاد نوعی توازن بین این پارامترهای اساسی در صحنه بین‌المللی بوده است که هر حرکت آن مسلماً بر روند توسعه ملی آن کشور تأثیرگذار بوده است.

حوزه جامعه شناختی: رشد جمعیت،

مهاجرت، بیکاری و نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از تغییرات ساختاری، رشد سریع جامعه شهری و تغییرات در الگوی زندگی مصرف به علاوه مشکلات قبلی از جمله کمبود آب، مسأله مسکن، بی‌سازمانی در زندگی شهری، کمبود فضاها و تسهیلات شهری جدای از این مسائل، مقولات دیگری مانند نابرابری زنان و نابرابری‌های اقتصادی بین قشرهای جامعه و همه این واقعیت‌های اجتماعی و جامعه شناختی به درجات مختلف به عنوان مانعی بر روند توسعه مطلوب مراکش (مغرب) عمل کرده‌اند.

محمد مهدی شهریاری

مرکز مطالعات اقتصاد و انرژی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېسنس

پرتال جامع علوم انساني